



# فارسی ششم: عمر گرانمایه و حکایت

Elnaky.com

## کار با زور بازو



زندگی ساده‌ای دارد، اما مستقل، آزاد و  
روی پای خودش است.

## در خدمت پادشاه



ثروتمند است، اما مجبور است همیشه از  
دیگران اطاعت کند و فرمان‌بردار باشد.



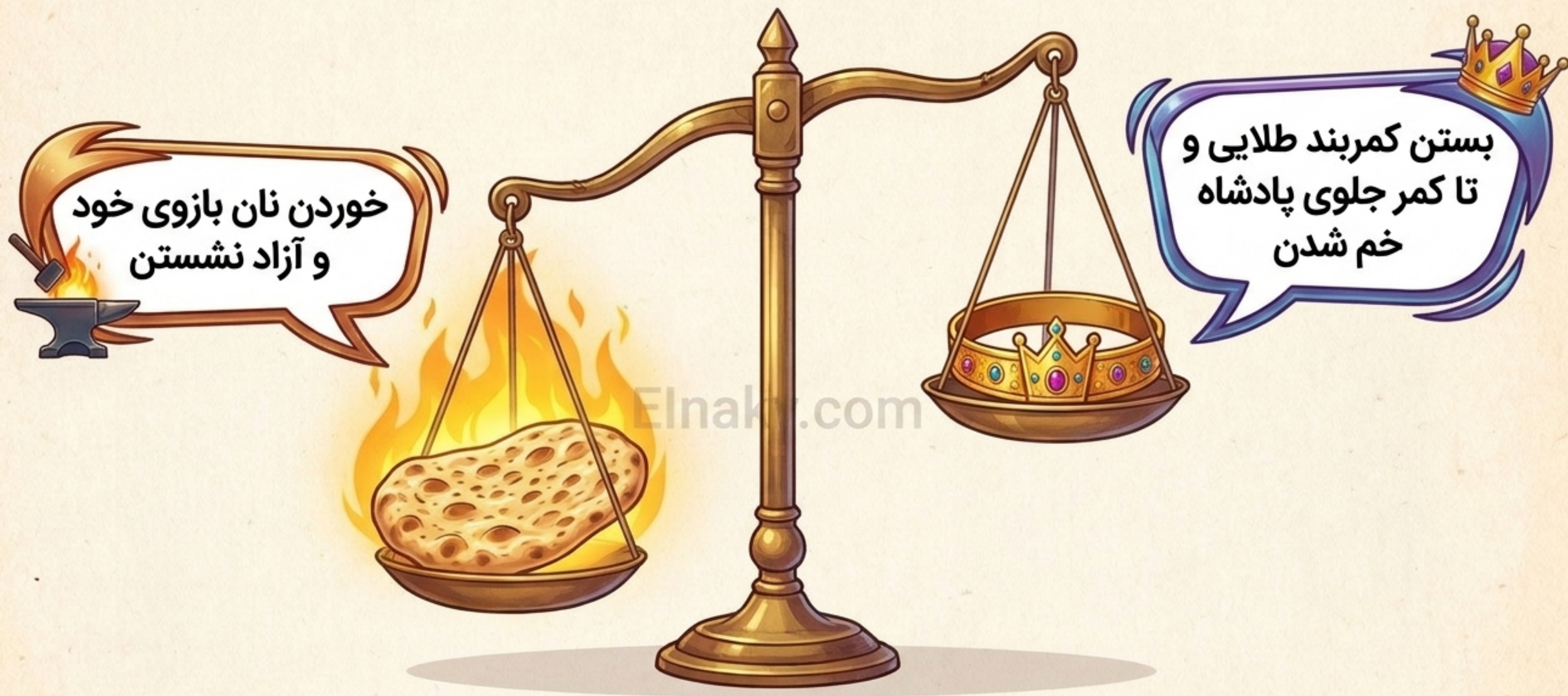
تو چرا کار نمی‌کنی تا از  
خواری و ذلتِ خدمت کردن  
به دیگران رها شوی؟

چرا به پادشاه خدمت  
نمی‌کنی تا از این کار سخت  
و طاقت‌فرسا (مشقت)  
نجات پیدا کنی؟



**تقابل دو نگاه: راحتی با ذلت در برابر سختی با عزت!**





پند خردمندان: استقلال همراه با سادگی، بسیار ارزشمندتر از ثروت همراه با حقارت است.



به دست آهن  
تفته کردن خمیر



آهن داغ را با دست خود شکل  
دادن و سختی کشیدن...

Elnaky.com

به از دست بر  
سینه پیش امیر



...خیلی بهتر از این است که  
دست به سینه و حقیرانه  
جلوی حاکم بایستی.

عمر گرانمایه در این صرف شد

تمام عمر با ارزش و گرانبهای انسان  
در این فکر تلف شد که...

تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا



در زمستان چه لباسی بپوشم؟



در تابستان چه غذایی بخورم؟

Elnaky.com

(حرص و طمع مادیات، فرصت زندگی را از بین می برد)

تا نکنی پشت به خدمت، دو تا



... تا مجبور نشوی برای پر کردن شکمت،  
کمرت را برای خدمت به دیگران خم کنی.

ای شکم خیره به نانی بساز

Elnaky.com



ای شکم حریص و زیاده‌خواه!  
به یک تکه نان ساده قناعت کن...

Elnaky.com



Elnaky.com

# سعدی در این حکایت به ما چه می‌آموزد؟

## عزت نفس:

ارزش انسان به استقلال اوست، نه به لباس‌های فاخر و ثروتش.



Elnaky.com

## ارزش کار:

کارِ سخت و حلال، باعث افتخار است، نه باعث شرمندگی.



## قناعت:

کسی که قناعت داشته باشد، هرگز زیر بار منت دیگران نمی‌رود.



Elnaky.com

**نویسنده: مصلح‌الدین سعدی شیرازی**  
**منبع داستان: کتاب گلستان (شاهکاری در نثر و نظم فارسی)**

**کتاب گلستان (شاهکاری در نثر و نظم فارسی)**

تهیه شده با عشق برای دانش‌آموزان ایران - Elnaky.com